

## ارزیابی تصویر خدا در قانون اطاعت، از نظر جوئل اوستین

زهرا حسن زاده<sup>۱</sup>، طاهره آل بویه<sup>۲</sup>

### چکیده

موضوع ارتباط با خدا از آغاز آفرینش انسان همواره مورد توجه بشر بوده است. در قرون اخیر، با رشد تکنولوژی و آسیب‌های ناشی از زندگی مدرن، اضطراب و حس تنهایی‌گریبان‌گیر انسان شده است. با هجوم سرگشتگی‌های ناشی از سبک زندگی مدرن، انسان متجدد در درون خود بیش‌ازپیش به موجودی قدرتمند (خداوند) و معنویت‌های نوین احساس نیاز می‌کند. جوئل اوستین، کشیش آمریکایی، خداوند را عامل آرامش و موفقیت انسان در تمامی کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش معرفی می‌کند. او قوانینی مانند «قانون اطاعت» را که با نام خداوند عجین شده است، بیان می‌کند. براین اساس، در پژوهش حاضر تصویر خداوند با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در «قانون الهی اطاعت» جوئل اوستین بررسی شد. پژوهش در کتاب‌ها و سخنرانی‌های جوئل اوستین این نتیجه را به دست می‌دهد که تصویر خدایی که وی ارائه می‌دهد، برگرفته از تفکر اومانیزستی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. بدیهی است که بررسی و تبیین مبانی فکری جوئل اوستین، به‌عنوان یکی از مدعیان معنویت‌های مدرن، تأثیر بسزایی در نهادینه کردن این مسئله در جامعه اسلامی، برای حفظ جوانان از انحرافات عقیدتی دارد.

**واژگان کلیدی:** جوئل اوستین، معنویت، تصویر خدا، قانون الهی، قانون

اطاعت.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zahrahsnzde919@gmail.com

ORCID: ۵۶۰-۳۸۲۸-۰۰۰۸-۰۰۰۹X

۲. مربی گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: t.albouyeh@gmail.com

ORCID: ۱۹۰۱-۷۶۶۲-۰۰۰۱-۰۰۰۰

از آغاز آفرینش، انسان همواره در پی این بوده است که ارتباط معناداری بین خود و خداوند پیدا کند. از آنجا که انسان موجودی دوساحتی است، برای سعادت او باید به هر دو بعد جسمانی و روحانی وی توجه شود. در قرن‌های اخیر اضطراب ناشی از زندگی مدرن، سرعت بالای زندگی و آسیب‌های ناشی از آن انسان امروز را منزوی‌تر و مضطرب‌تر کرده است. به طوری که در عصر حاضر، انسان خلأ معنویت و نیازهای روحانی را به وضوح متوجه شده است و به معنویت‌های مدرن روی آورده است. جوئل اوستین یک کشیش پروتستانی متولد ۵ مارس ۱۹۶۳ در تگزاس آمریکا می‌باشد. جوئل اوستین در تمام کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش خدا را دلیل آرامش انسان معرفی می‌کند. وی قانونی به نام «اطاعت» را مطرح می‌کند. جوئل اوستین با نگاه اومانستی در غالب مثبت‌اندیشی و خود شکوفایی و موفقیت به موضوع اطاعت می‌پردازد. اهمیت موضوع در این است که جوانان مسلمان بسیاری به دلایل مختلف جذب جوئل اوستین و کتاب‌هایش می‌شود.

پژوهش‌های متعددی در مورد مفهوم خداوند انجام شده است، اما موضوع مقاله حاضر تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله‌ای با عنوان «تصور خدا و نقش آن در معناشناسی اوصاف الهی» به بررسی معناشناختی تصور خدا به عنوان موجود کامل می‌پردازد. (مولایی، ۱۳۹۴) موضوع دیگری که در پژوهش‌ها بدان پرداخته شده است «خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی» می‌باشد که در آن به تمایزهای میان تصویر خدا، تصور خدا و مفهوم خدا اشاره شده است (حسینی و قراملکی، ۱۳۹۶). پژوهش حاضر به بررسی محتوای سخنرانی‌های جوئل اوستین درباره «اطاعت از خدا» و شیوه معرفی آن توسط وی می‌پردازد. با بررسی این موضوع، در واقع می‌کوشد جوانان را با محتوای معنویت‌های نوین، مبانی فکری و اهداف اوستین آشنا سازد تا از پیامدهایی همچون دلسردی از دین و انحرافات عقیدتی در امان بمانند.

در پژوهش حاضر از روش گردآوری کتابخانه‌ای استفاده شده است. کتاب‌های ترجمه شده از جوئل اوستین به زبان فارسی در ایران محدود است. بنابراین، برای گردآوری مطالب مورد نیاز، به وبسایت اصلی وی مراجعه شده است. همچنین، برخی نرم‌افزارهای داخلی مانند «طاقچه» و

«کتابراه» - که مورد تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است - کتاب‌های صوتی سخنرانی‌های اوستین را در سامانه‌های خود ارائه می‌دهند. پس از تطبیق محتواهای دریافتی از نرم‌افزارهای مذکور با منبع اصلی یعنی، وبسایت اوستین، اطمینان حاصل شد که می‌توان از آنها به عنوان منابع معتبر در این پژوهش استفاده کرد. آدرس تمامی این پایگاه‌ها و برنامه‌ها در بخش منابع ذکر شده است. لازم به ذکر است که در تحقیق حاضر، عمدتاً از کتاب‌های صوتی (سخنرانی‌های) جوئل اوستین استفاده شده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی تصویر خدا

تصویر (ت) در لغت به معنای صورت کسی یا چیزی را کشیدن یا شرح دادن، سه بعدی تصویری که عمق و حجم را نشان می‌دهد، است؛ کشیدن شکل و صورت کسی یا چیزی بر روی سطحی مانند کاغذ یا دیوار. (معین، ۱۳۸۶، ۲/۸۴۵)

تعبیر تصویر خدا از بار معنایی خاصی برخوردار است که آن را خاص‌تر از تصور خدا می‌کند. نمی‌توان آن را به لحاظ معنایی، مترادف و به لحاظ مصداقی، مساوی با تصور دانست و به جای آن استفاده کرد. تصویر در ترجمه (image)، اصطلاح خاصی است که استعاره، نماد، تمثیل و اسطوره را شامل می‌شود. پژوهشگران فلسفه دین آن را زمانی استفاده می‌کنند که عنصری برخاسته از خیال در تصور و بیان حضور داشته باشد. واژه تصویر بر اشکال تخیلی (که میان آن و واقعیت رابطه‌ای مجازی برقرار باشد) دلالت می‌کند. در اسلام با وجود تنزیه بسیار خداوند، تصاویری اعم از استعاره و سمبل وجود دارد و در عرفان اسلامی نیز کاربرد تصویر در این زمینه نمود بیشتری می‌یابد. (حسینی، قراملکی، ۱۳۹۶، ۱/۲۱-۴۸)

### ۲-۲. مفهوم‌شناسی قانون

قانون در لغت به معنی رسم، قاعده، روش است و نیز امریست کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات آن شناخته شود. (معین، ۱۳۸۶، ۴/۲۱۵۶) قوانین بشری توسط جمعیت‌ها و

گروه‌های مردمی وضع می‌شود و با شرایط جامعه متغیر است. در واقع، با افزایش نیازها و پیدایش مشکلات جدید، قوانین تازه‌ای برای رفع آنها تدوین می‌شده است. به‌طورکلی، قانون ساخته شده توسط مردم، محدود به زمان و مکان خاصی است و حاصل اندیشه‌های افرادی است که از همه جوانب مادی و معنوی محدودیت دارند؛ بنابراین تغییر، تبدیل، کمیت و کیفیت آنها به وضعیت فکری و اندیشه مردم وابسته است، اما قانون‌گذار قوانین الهی و دین، «الله» است. خداوند بر تمام زمان‌ها و مکان‌ها احاطه دارد و دیروز و امروز برای او یکسان است. او مصالح و مفاسد را به خوبی می‌داند و آگاه است که چه قانونی به صلاح جامعه است و کدام به زیان آن؛ زیرا او آفریننده و خالق ماست. سازنده‌ی هر چیزی، بهتر از هر کس دیگر از ساخته و مصنوع خود آگاه است. بنابراین، قانون‌گذار کامل باید واجد ویژگی‌های زیر باشد:

- بی‌نفعی و بی‌طرفی: قانون‌گذار نباید منفعتی شخصی از قانون ببرد و باید در وضع قوانین، کاملاً بی‌طرفانه و بدون توجه به منافع یا زیان‌های فردی عمل کرده و آنها را تنظیم کند.
- شناخت کامل از انسان: باید بر تمام اسرار، رموز و جزئیات آفرینش انسان - اعم از جسم، غریز، عواطف، امیال، امیدها و آرزوها - احاطه داشته باشد و از همه زوایای درونی و بیرونی این موجود آگاه باشد.
- عاری از خطا و دارای کمال اخلاقی: هیچ‌گاه نباید از او لغزش یا اشتباهی سر بزند؛ همچنین باید خیرخواه، دلسوز و مهربان بوده و در عین حال، توانا و دارای اراده‌ای قوی باشد.
- آگاهی از استعدادهای آینده انسان: باید از تمام استعدادها و شایستگی‌های درونی انسان که در آینده ممکن است ظهور یابند، آگاه باشد.
- علم به حوادث آینده و پیش‌بینی واکنش‌ها: باید از تمام رویدادهای احتمالی آینده - اعم از نزدیک یا دور - و همچنین عکس‌العمل‌های ناشی از آنها مطلع بوده و توانایی پیش‌بینی آنها را داشته باشد. (توفیقی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱-۱۵۶)

## ۲-۳. مفهوم‌شناسی معنویت

«معنویت» در لغت به معنای باطنی، حقیقی، یا شخصی است که در عالم معنی و باطن سیر می‌کند (همانند «عارف»); یا به مجموعه‌ای از جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان، محصولات فکری او، یا امر غیرمادی اطلاق می‌شود. (انوری، ۱۳۸۱، ۷/۷۱۸۲) از آنجا که معنویت به یکی از قلمروهای اساسی رفتار آدمی، یعنی دین‌داری، ارتباط دارد، تبیین معنای اصطلاحی «معنویت» ضروری است. معنویت اسلامی، انسان‌باوری است؛ این نوع معنویت، انسان را شایسته رسیدن به قرب الهی می‌داند و او را - بی‌واسطه و در رابطه‌ای مستقیم با خداوند- واجد استعداد «خلافت الهی» و تجلی اسماء و صفات الهی معرفی می‌کند. به همین دلیل، راه به سوی خدا برای او بسیار نزدیک است: «وإن الراحل إلیک قریب المسافه» (دعای ابوحمزه ثمالی) و پیمودن این راه برای هر که اراده «سیر إلى الله» داشته باشد، بسی سهل است. ظرفیت نامتناهی انسان، اگر در مسیر معرفت و عبودیت حق جریان یابد، شکوفا می‌شود و به دستیابی به «ایمان و عمل صالح» می‌انجامد (ظاهری سیف، ۱۳۸۵، ۱۰۹/۱).

## ۳. قانون اطاعت از نظر جوئل اوستین

جوئل اوستین به قواعد و اصول نظری چندان اهمیتی نمی‌دهد و در عوض، تمرکز اصلی خود را بر مسائل کاربردی و عملی قرار می‌دهد. او باور دارد که فعالیت جهانی او در سطح گسترده، نوعی آموزش است؛ آموزشی که می‌توان آن را اینگونه توصیف کرد: «آموزش سبک زندگی الهی و معنوی، همراه با سلامت روان و موفقیت». او رویکردی عاطفی به مسائل دینی، مذهبی و الهی دارد. هر یک از قوانین مطرح شده از سوی او قابل تأمل است. اوستین حتی مسئله دین را نیز از همین منظر عاطفی و روان‌شناختی می‌نگرد. در نتیجه، قوانینی را وضع می‌کند که هم دارای جنبه معنوی هستند و هم بر موفقیت فردی تأکید دارند. از آنجا که اوستین جامعه مخاطب خود را از ابعاد گوناگون دینی، مذهبی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و نیز از نظر دغدغه‌ها و نیازها به خوبی بررسی کرده است، قوانینی را ترویج می‌کند که بتواند همه این جوانب را پوشش دهد. (اوستین،

یکی از قوانین مهم و تأمل برانگیز در این نظام فکری، «قانون اطاعت» است که در ادامه بررسی می‌شود. جوئل اوستین، به‌عنوان یک کشیش مسیحی، همواره کوشیده است سخنرانی‌های خود را با نام خداوند آراسته کند و مجموعه‌ای از قوانین فرضی را بر پایه یافته‌های برگرفته از انجیل، روان‌شناسی، مباحث انگیزشی و معنویت‌های مدرن ارائه نماید. از آنجا که او شناخت و احاطه کاملی بر مردم آمریکا دارد، می‌کوشد تا آنان را از مشکلاتی که گریبان‌گیرشان شده است، برهاند (اوستین، ۱۳۹۸).

### ۳-۱. آشنایی با پروتستان

«پروتستان» واژه‌ای فرانسوی است که ریشه در زبان لاتین دارد و به معنای «معترض» است. این واژه از آغاز به پیروان کلیساهایی اطلاق می‌شد که با نهضت اصلاح‌طلبی به رهبری مارتین لوتر در قرن شانزدهم پدید آمدند. لوتر نهضتی اصلاحی درون مکتب کاتولیک ایجاد کرد که به زودی در مقابل کلیسای سنتی قرار گرفت. او که راهبی آگوستینی، کشیش و استاد کتاب مقدس در دانشگاه ویتنبرگ آلمان بود، نظام الهیاتی را برای نسل‌های بعدی پروتستان پایه‌گذاری نمود. مارتین لوتر خواهان اصلاحاتی چنان بنیادین بود که بر اساس آن، منصب پاپی، سلسله مراتب کلیسا و نهاد رهبانیت ملغی می‌شد. پس از این نهضت، فرقه‌های پروتستان بی‌شماری در مسیحیت پدید آمدند که در عقیده و عمل با یکدیگر متفاوت‌اند و وجه اشتراک همه آنها اهمیت دادن به تعالیم کتاب مقدس است. پروتستان‌ها برخلاف کاتولیک‌ها به رهبری متمرکز عقیده ندارند، برای روحانیت مسیحی ارزش چندانی قائل نیستند، بسیاری از اعتقادات فرقه‌های دیگر را رد می‌کنند و نوعی مسیحیت پیراسته را می‌پذیرند. البته پروتستان‌ها بسیاری از اعتقادات محوری کاتولیک و ارتدکس مانند تثلیث، کفار، رستاخیز مسیح، حجیت کتاب مقدس، تعمید و عشای ربانی را نیز حفظ کرده‌اند. (ای. وان وورست، ترجمه: باغبانی و رسول‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۴۸)

تحولات در آیین پروتستان از دهه ۱۹۶۰ میلادی شتاب فزاینده‌ای گرفته است. برخی از گروه‌های پروتستان، برای جذب نسل جوان، تنوع گسترده‌ای را در شیوه‌های عبادت پذیرفته‌اند.

موضوعاتی نظیر انتصاب زنان به مقام کشیشی، زبان مورد استفاده در مراسم عبادی، اتحاد با دیگر کلیساها، شیوه تفسیر کتاب مقدس و چگونگی ارتباط آن با یافته‌های علمی، از جمله عواملی بوده‌اند که به انشعاب در میان برخی کلیساهای پروتستان انجامیده است.

### ۳-۱. آموزه‌های کلیسای پروتستان

یکی از آموزه‌های اصلی کلیسای پروتستان، عادل شمرده شدن انسان از طریق ایمان، و نه از طریق اعمال شریعت است. براساس این آموزه، عادل شمردن، کاری است الهی و مؤمنان از راه ایمان به مسیح مصلوب، با خدا آشتی می‌کنند و در نظر او عادل و صالح شمرده می‌شوند. آموزه بنیادین دیگر، تأکید بر حجیت کتاب مقدس به عنوان یگانه منبع و معیار تعالیم در این کلیساست. همچنین، تأکید بر روحانی بودن همه مؤمنان از دیگر ارکان اعتقادی پروتستان به شمار می‌رود. این عقیده، در واقع واکنشی از سوی رهبران نهضت اصلاحات به ساختار سلسله‌مراتبی و انحصارگرایانه روحانیت در کلیسای کاتولیک بود. (باغبانی و رسول‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۴۶) جوئل اوستین از پیروان مکتب پروتستان است. همسر و پسر او نیز همچون خودش، به کشیشی اشتغال دارند. او تمامی عقاید و آموزه‌های پروتستانی را می‌پذیرد. فعالیت‌های جوئل اوستین به تدریج در قالب تبلیغ اندیشه‌ای نو با عنوان «انجیل تندرستی و ثروت»، شکل جدی‌تری به خود گرفت و او اکنون در این مورد سخنرانی می‌کند.

### ۳-۲. قانون اطاعت

جوئل اوستین در یکی از سخنرانی‌های خود، دیدگاهش را درباره «اطاعت» این‌گونه بیان می‌کند: «خیلی وقت‌ها ما متوجه نمی‌شویم که خدا دارد با ما صحبت می‌کند. ما در درونمان نشانه‌ای را احساس می‌کنیم؛ چیزی انگار دارد ما را ترغیب می‌کند که با دیگران خوب رفتار کنیم. این اتفاقی نیست! در واقع، خدا دارد با ما صحبت می‌کند. یا گاهی در موقعیتی قرار می‌گیریم که احساس بی‌قراری و ناآرامی می‌کنیم. شاید در نگاه اول همه چیز خوب به نظر برسد و فرصت مناسبی باشد، اما در واقع این زنگ هشدار است که درونمان دارد ما را صدا می‌زند. این نشانه‌ها از طرف

خداست که می‌خواهد از شما مراقبت کند. وقتی این نشانه‌ها و انگیزه‌های درونی را احساس می‌کنید، آنها را نادیده نگیرید. در مورد اینکه بی‌خیال آنها شوید، با خودتان صحبت نکنید؛ "فقط اطاعت کنید". اگر به آن صدای آرام گوش کنید، می‌بینید که خداوند می‌خواهد شما را به بهترین مسیر زندگی تان هدایت کند. شما می‌خواهید صداهای رسا را بشنوید، اما اگر به صداهای آرامی که گوش درونی تان می‌شنود حساس تر باشید - صداهایی که می‌خواهند به شما پیشنهادها، نشانه‌ها و هشدارهایی بدهند - آن وقت خداوند شما را در برابر ناراحتی‌های قلبی و درد محافظت می‌کند و شما را به سمت الطاف بیشتر هدایت می‌نماید. او از شما برای برکت بخشیدن به زندگی دیگران استفاده می‌کند. اغلب ما این نشانه‌ها را احساس می‌کنیم؛ انگار در درونمان از چیزی آگاه می‌شویم، اما به آن توجهی نمی‌کنیم و این نشانه‌ها را به گونه‌ای دیگر تعبیر می‌کنیم. احساس بی‌قراری می‌کنیم، اما در ظاهر فرصت خوبی به نظر می‌رسد. یا شاید می‌کوشیم آن را تحلیل کنیم و با این توجیه که "این نشانه ربطی به ما ندارد" یا "با عقل جور در نمی‌آید"، از آن بگذریم. با خودتان در این مورد صحبت نکنید و بهانه نیاورید. خداوند همان چیزی را که به قوم بنی‌اسرائیل گفت، به ما نیز می‌گوید: "فقط اطاعت کنید". (اوستین، ۱۳۹۸)

مسئله این است که خداوند می‌داند برنامه‌اش چیست. او چیزی را می‌بیند که ما قادر به دیدنش نیستیم. در واقع، خداوند از ما برای روشن کردن مسیر زندگی دیگران استفاده می‌کند. قانون این است که هرگاه اطاعت کنیم، برکتی شامل حالمان خواهد شد. جوئل اوستین می‌گوید: «امکان ندارد شما به یک نفر لطفی کنید و خدا آن لطف را به شما برنگرداند». ما می‌توانیم با اطاعت کردن به اوج برسیم و شاهد الطاف نامحدود خداوند باشیم - بدون هیچ بحث، استدلال و بهانه‌تراشی. خداوند می‌خواهد شما را به بهترین مسیر زندگی تان هدایت کند. او می‌داند نعمت‌ها کجا هستند، پیشرفت در کجاست و افراد مناسب شما کدام‌اند. اگر به صدای او به اندازه کافی دقت کنید و به ندای درونی تان توجه نمایید، خداوند می‌تواند کاری کند که به صورتی نامحدود رشد و پیشرفت کنید.

از نظر جوئل اوستین، باید به هر آنچه که به درون ما الهام می‌شود توجه کرد؛ زیرا او معتقد است این الهامات، پیام خداوند هستند و او که آگاه به تمام امور جهان است، این نشانه‌ها را برای هدایت ما فرستاده و باید جدی گرفته شوند. فقط باید اطاعت کنیم و بر امور کاربردی تمرکز داشته باشیم. هرچه بیشتر در این آزمایش‌ها سربلند بیرون بیاییم، خداوند نیز اعتماد بیشتری به ما خواهد کرد و نعمات بیشتری را به زندگی ما روانه خواهد کرد، اما اگر خداوند مجبور باشد برای هر چیز با ما بحث کند و ما نیز برای نشانه‌هایی که می‌بینیم بهانه‌تراشی کنیم، درجا خواهیم زد و پیشرفتی نخواهیم داشت. در واقع، اگر راضی و مطیع باشیم، از همه نیکی‌های جهان بهره‌مند خواهیم شد.

به باور جوئل اوستین، هیچ چیز به صورت تصادفی به ذهن ما خطور نمی‌کند، بلکه این خداوند است که از ما می‌خواهد آنها را انجام دهیم. یکی از راه‌های تشخیص منشأ الهی این نشانه‌ها، تداوم و تکرار آن‌هاست؛ این احساس همواره با ماست. خداوند هرگز ما را مجبور به انجام کاری نمی‌کند و نمی‌خواهد خواست خود را بر ما تحمیل نماید، بلکه تنها پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد. هرچه بیشتر اطاعت کنیم، انجام این کار در دفعات بعد آسان‌تر خواهد شد. هرچه به صدای او حساس‌تر شویم و پاسخ بهتری به او دهیم، پاسخ‌دادن در آینده ساده‌تر از قبل خواهد بود. از طریق همین نشانه‌هایی که مشاهده می‌کنیم، به جایگاه والاتری دست می‌یابیم و پیشنهادهای بهتری دریافت می‌کنیم. در نتیجه، به موقع و براساس منطق درست، از برخی کارها دست می‌کشیم. این‌گونه است که با توجه به نشانه‌های الهی، هدایت می‌شویم.

جوئل اوستین می‌گوید: «خداوند به دنبال افرادی می‌گردد که بتواند بر آنها حساب کند؛ افرادی که حتی به کوچک‌ترین نشانه‌هایی که می‌بینند و کم‌اهمیت‌ترین پیشنهادهایی که درونشان دریافت می‌کنند، عمل می‌نمایند؛ افرادی که هیچ بحثی نمی‌کنند، هیچ بهانه‌ای نمی‌آورند، ذهنشان را با تردید شلوغ نمی‌سازند و تنها اطاعت می‌کنند». هنگامی که به خداوند احترام می‌گذاریم، او رازش را با ما در میان می‌گذارد و هر چه را بخواهد در گوش جانمان زمزمه می‌کند. او به ما بینشی می‌بخشد که از هیچ راه دیگری نمی‌توانستیم به آن دست یابیم.

جوئل اوستین دلیل قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌دهد که چگونه می‌توانیم منشأ این نشانه‌ها را تشخیص دهیم و در این زمینه توضیح روشنی ندارد. او صرفاً ادعا می‌کند: «اگر با دقت به صدای خداوند در درونتان گوش کنید، خداوند اطلاعاتی محرمانه در اختیار شما قرار می‌دهد و چیزهایی را می‌داند که به طور معمول نباید از آن آگاه می‌بودید. اینگونه خداوند شما را برای رسیدن به سرنوشتان آماده می‌سازد. اگر فقط اطاعت کنید، خداوند سود فراوانی را به شما می‌رساند. او می‌تواند رویدادهایی را در زندگی شما رقم بزند که به تنهایی قادر به ایجاد آنها نبودید. خداوند قرار نیست دلیل هر کاری را که از ما می‌خواهد انجام دهیم، برایمان توضیح دهد. همه اینها به ایمان ما بستگی دارد و فقط اعتماد کردن به او کافی است».

جوئل اوستین در جای دیگری می‌گوید: «راه‌حل‌های خداوند با راه‌حل‌های ما متفاوت است و بسیار برتر از آنهاست. خودتان را تسلیم او کنید و بگذارید خداوند به شیوه خودش عمل نماید. گاهی ما تمایلی به انجام کارهای کوچک نداریم، اما پیروی از همین اقدامات به ظاهر ناچیز که از سوی خداوند به ما الهام می‌شود، موجب برکت در زندگی می‌شود. اینکه شما دقیقاً چه کاری انجام می‌دهید، اهمیت چندانی ندارد؛ همین که اطاعت کنید، قدرت خدا را در زندگی‌تان به حرکت درمی‌آورد. وقتی از فرمان‌های به ظاهر کوچک اطاعت می‌کنید، وقتی از چیزی پیروی می‌نمایید که در ظاهر بی‌اهمیت است، وقتی کسی شما را زیر نظر ندارد، وقتی برخلاف میل‌تان اطاعت می‌کنید، اما باز هم کار درست را انجام می‌دهید، وقتی ایمان خود را حفظ می‌کنید و همچون انسانی کامل عمل می‌نمایید؛ همه اینها موجب می‌شود که برکت الهی در زندگی شما جاری شود».

جوئل اوستین تأکید دارد: «آن قدر به اطاعت کردن ادامه دهید تا ایمان‌تان تقویت شود. کاری را که فکر می‌کنید درست است، انجام دهید و از آن صدای آرام درون‌تان پیروی نمایید. اطاعت از خداوند، بر بی‌ایمانی‌تان چیره می‌گردد. اگر در شرایط ناخواسته‌ای قرار گرفتید که دلیل آن را در نمی‌یافتید، یا اگر مردم با شما مخالفت کردند، فقط به انجام آنچه که درست می‌پندارید، ادامه دهید. به زودی رهایی را تجربه خواهید کرد. با اطاعت کردن، معجزه‌ای در زندگی‌تان رخ خواهد

داد. در واقع، شما بذر شگفت‌انگیزی می‌کارید که در آینده محصولی شگفت‌انگیز به بار خواهد آورد. خداوند هیچ‌گاه بدون دادن توانایی انجام کاری، آن را از شما درخواست نمی‌کند. هنگامی که از شما می‌خواهد از دوستی که باعث شکستتان شده فاصله بگیرید یا عادت‌های زیانبار برای سلامتیتان را ترک کنید، هدفش محروم کردن شما نیست، بلکه می‌خواهد چیزی برتر به شما عطا کند. اگر تنها اطاعت کنید، به مرحله‌ای تازه از زندگی گام خواهید گذاشت.» (اوستین، ۱۳۹۸)

جوئل اوستین «اطاعت» را جزئی از قوانین الهی و قابل اجرا در تمام سطوح زندگی می‌داند و آن را رمز موفقیت می‌شناسد. او اگرچه خداوند را محوری‌ترین موجود هستی می‌پندارد، چارچوب اصولی منسجمی ارائه نمی‌دهد. وی با ارجاع به کتاب مقدس و ذکر مصادیق، می‌کوشد از درون دین، مفاهیمی را استخراج کند که مردم را از مشکلات پیش‌رو رهایی بخشد. «اطاعت» مفهومی‌ترین و مهم‌ترین قانون در نظام فکری اوست، تا آنجا که سنگ‌بنا و محور اصلی سخنانش بر همین اساس استوار شده است. از منظر اوستین، اطاعت به معنای «تسلیم محض بدون هیچ‌چون‌وچرایی» است؛ چراکه ما از دلایل پنهان و حکمت الهی آگاه نیستیم.

#### ۴. نقد قانون اطاعت جوئل اوستین از نظر اسلام

همان‌طور که در بخش پیشین به تفصیل بیان شد، جوئل اوستین، در جایگاه یک کشیش، در روش تبلیغی خود از قوانینی استفاده می‌کند که بیشتر بر جنبه‌های عاطفی- روان‌شناختی تأکید دارند. مسیحیت دینی تبشیری است و اوستین اهداف خود را با همین رویکرد روان‌شناختی پیش می‌برد. او با به‌کارگیری قوانین یادشده، در واقع تلاش می‌کند ارتباط مؤثرتری با مخاطبان خود برقرار کند و اصول و سبکی از زندگی را به آنان بیاموزد، اما بر پایه پژوهش‌ها و جست‌وجوهای انجام‌شده، روشن شده است که مسیحیتی که او از آن پیروی می‌کند، از نوع مسیحیت غیرمذهبی و کاریزماتیک است.

#### ۴-۱. اطاعت در مسیحیت

واژه «اطاعت» در کتاب مقدس به معنای شنیدن واقعی و الهام بخش است که اعتقاد و اعتماد را برمی‌انگیزد و در مرحله بعد به عمل منجر می‌شود؛ همان‌گونه که در این آیه آمده است: «اما بنی اسرائیل سخن مرا نشنیدند و مرا اطاعت نکردند» (حزقیال: ۲۰: ۲۱). این واژه ۸۳ بار در کتاب مقدس تکرار شده که نشان‌دهنده اهمیت آن است. در ادامه، نمونه‌هایی از آیات مربوطه ارائه می‌شود:

- خداوند برای اطاعت پاداش تعیین نموده است: «خداوند اطاعت‌کننده را برکت می‌دهد» (پیدایش: ۲۲: ۱۸)؛ «چون از من اطاعت می‌کنید، من از طریق فرزندان شما، تمام ملت‌ها را برکت خواهم داد» (خروج: ۱۹: ۵).

- اطاعت، نشانه عشق به خدا: «کسی که خدا را دوست دارد، احکام او را نیز اطاعت می‌کند». (یوحنا: ۵: ۱۳)

- اطاعت، اثبات‌کننده ایمان: «آن که از کلام او اطاعت می‌کند، محبت به خدا به‌راستی در او به کمال رسیده است». (یوحنا: ۵: ۵)

- اطاعت، جاری‌کننده قدرت خدا: «بگذارید روح نحوه تفکر شما را عوض کند». (ساموئل: ۱۵: ۲۲-۲۳)

کتاب مقدس این حقیقت را بیان می‌کند که روح القدس قدرت خود را در لحظه‌ای که قدمی با ایمان بر می‌دارید، جاری می‌کند. آنچه خدا از ما انتظار دارد این است که به فرزند او عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم. «اطاعت» مسیحی به معنای شبیه شدن به خدا از نظر اخلاقی است. اطاعت مسیحی یعنی، سرمشق‌گیری از محبت و افتادگی مسیحی در واقع اطاعت و کنش شخص نسبت به فیض سرشار الهی است. انگیزه ما برای اطاعت عشق و ایمان است. بنابراین، اطاعت از کتاب مقدس به معنای شنیدن، اعتماد، تسلیم به خدا و کلام اوست.

از نظر جوئل اوستین، خدای مسیحیت، انسان را به بهترین مسیر ممکن رهنمون می‌سازد. در بخش دوم اشاره به این شد که جوئل اوستین از پیروان خود می‌خواهد که در هر شرایطی

مطیع محض باشند. جوئل اوستین در یکی از کتاب‌های خود «اطاعت» را کامل شرح می‌دهد. اطاعت از خداوند یعنی، در برابر دستورات او چون و چرا نیاوریم؛ زیرا استدلال و برنامه‌ریزی خداوند با ما متفاوت است. تنها چیزی که خداوند از ما می‌خواهد این است که به او اعتماد کنیم. جوئل اوستین مسائل روان‌شناسی و انسان‌شناسی و خداپرستی رحمانی را با هم ترکیب نموده است. بهترین و مثبت‌ترین حالت را استخراج نموده است و به مردم ارائه می‌دهد. طبق گفته خود جوئل اوستین، وی معتقد به جهنم و عذاب هست، ولی ترجیح می‌دهد فقط جنبه مثبت و رحمانی خدا را بیان کند. (ر.ک.، اوستین، ۱۳۹۸)

از سخنرانی‌ها و اندیشه‌های جوئل اوستین، می‌توان دریافت که خداوند در نگاه او محوری‌ترین موجود جهان است؛ موجودی که خیرخواه همه آفریدگانش می‌باشد. در ادبیات مسیحی معاصر، «تصویر» اغلب به معنای نماد، تمثیل یا اسطوره به کار می‌رود و بنابراین، تصویری ماورایی و غیرملموس ارائه نمی‌دهد. او نیز همانند دیگر مسیحیان، عیسی مسیح ع را نماد خداوند بر روی زمین می‌داند؛ چراکه مسیح ع را متبلور صفات الهی می‌پندارد.

اکنون این پرسش مطرح است که دیدگاه‌های جوئل اوستین از منظر اسلام و قرآن چگونه ارزیابی می‌شود؟ در دین مبین اسلام، مسئله تبلیغ و ارشاد با استناد به آیه «الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون أحدا إلا الله وكفی بالله حسیبا» (احزاب: ۳۹)، اهمیت والایی دارد. تبلیغ و دعوت به ارزش‌ها و اجرای آن در تمامی مراحل زندگی و نیز «امر به معروف و نهی از منکر»، از بنیادی‌ترین و ارزشمندترین وظایف امت اسلام شمرده می‌شود. تفصیل بحث درباره تبلیغ و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن در متون اسلامی و دیدگاه اوستین، در بخشی جداگانه به طور کامل ارائه خواهد شد.

#### ۴-۲. اطاعت در اسلام

واژه «اطاعت» از ریشه «طوع» به معنای فرمان بردن (المصباح، ۱۳۹۸، ۳۸۰/۱) همراه با خضوع و رغبت است (اصفهان‌ی، ۱۳۷۰، ۵۲۹/۱). چنانچه در آیه آمده است: «فطوعت له نفسه قتل أخیه فقتله فأصبح من الخاسرین؛ پس نفس [اماره] او را به کشتن برادرش ترغیب کرد، و برادرش را کشت

و از زیانکاران گردید» (مائده: ۳۰). این واژه و مشتقات آن ۷۸ بار در قرآن به کار رفته است. نمونه‌هایی از آیات در ادامه می‌آید:

- فرمان به اطاعت از خدا، رسول و اولوالامر: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم فإن تنازعتم فی شیء فردوه إلی الله والرسول إن کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر وأحسن تأویلاً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] فرمان برید؛ و اگر در چیزی نزاع داشتید، آن را به [حکم] خدا و پیامبر بازگردانید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید که این [کار] برای شما بهتر و عاقبت‌اندیشی‌تر است». (نساء: ۵۹)

تفسیر آیه: «یکی از مهمترین مسائل اسلامی، یعنی مسئله رهبری بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می‌سازد. نخست به مردم با ایمان دستور می‌دهد که از خداوند اطاعت کنند، بدیهی است برای یک فرد با ایمان همه اطاعت‌ها باید به اطاعت پروردگار منتهی شود، و هرگونه رهبری باید از ذات پاک او سرچشمه گیرد، و طبق فرمان او باشد؛ زیرا حاکم و مالک تکوینی جهان هستی اوست، و هرگونه حاکمیت و مالکیت باید به فرمان او باشد. در مرحله بعد، فرمان به پیروی از پیامبر ﷺ می‌دهد، پیامبری که معصوم است و هرگز از روی هوی و هوس، سخن نمی‌گوید، پیامبری که نماینده خدا در میان مردم است و سخن او سخن خداست، و این منصب و موقعیت را خداوند به او داده است. بنابراین، اطاعت از خداوند، مقتضای خالقیت و حاکمیت ذات اوست. ولی اطاعت از پیامبر ﷺ مولود فرمان پروردگار است و به تعبیر دیگر خداوند واجب‌الاطاعة بالذات است و پیامبر ﷺ واجب‌الاطاعة بالغیر و شاید تکرار "اطیعوا" در آیه اشاره به همین موضوع یعنی، تفاوت دو اطاعت دارد. مرحله سوم، فرمان به اطاعت از اولوالامر می‌دهد که از متن جامعه اسلامی برخاسته و حافظ دین و دنیای مردم است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۳۴/۳)

- «وما أرسلنا من رسول إلا لیطاع یاذن الله ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً؛ و ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا اطاعت او کنند. و اگر هنگامی که آنان (گروه منافق) بر خود ستم کردند به تو رجوع

می‌کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می‌کردی و از خدا آمرزش می‌خواستی، در این حال البته خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند». (نسا: ۶۴)

تفسیرآیه: «سیمای يك جامعه و مدیریت سالم آن است که مردمش با ایمان، رهبرش آسمانی، فرمان‌بری و اطاعت مردم قوی، منحرفانش پشیمان و اهل استغفار و رهبرش پذیرا و مهربان باشد. چنان‌که دعای پیامبر ﷺ در حق مؤمنان مستجاب است. دعای نیکان و فرشتگان نیز در حق آنان اثر دارد. هدف از فرستادن انبیا، هدایت مردم از طریق اطاعت از آنان است. اطاعت مخصوص خداست؛ حتی اطاعت از پیامبران باید با اذن خدا باشد و گرنه شرك است. رها کردن انبیا و رجوع به طاغوت، ظلم به مقام انسانی خود است». (قرائتی، ۱۳۷۴، ۹۸/۲) همان‌طور که در بالا اشاره شد در قرآن آیات بسیاری در مورد اطاعت آمده است. اطاعت در قرآن به دو صورت تکوینی و تشریحی مطرح شده است.

#### ۴-۲-۱. اطاعت تکوینی

نسبت دادن سجده به سایه اجسام بیان سقوط سایه‌ها بر زمین و مجسم نمودن افتادگی سجود است، بیان اطاعت تکوینی سایه در جمیع احوال و آثارش مشخص است، دلیل این معنا هم آیه شریفه: «أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلاله عن الیمین و الشمال سجدا لله و هم داخرون؛ آیا به‌سوی آنچه خدا آفریده ننگریستند که سایه‌های آنان درحالی‌که فروتنانه برای خدا سجده می‌کنند، از راست و چپ برمی‌گردند؟» (نحل: ۴۸) است که عنایت مزبور، در آن به خوبی هویداست و این معنا را با جمله «کل له قانتون» (روم: ۲۶) تأکید فرموده است؛ زیرا «قنوت» به معنای همراه بودن اطاعت با خضوع است، همچنان که راغب نیز این‌طور معنا کرده است و مراد از «اطاعت با خضوع» به‌طوری‌که سیاق می‌رساند، «اطاعت تکوینی» است، نه اطاعت دستورات شرعی؛ زیرا سجده به معنای خضوع بی‌حد، اطاعت تکوینی محض را می‌رساند. ستاره و درخت هر دو طبق قانون الهی به جبر طبیعی مطیع قانون حق‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۳، ۴۴۰/۱۱)

#### ۴-۲. اطاعت تشریحی

اطاعت تشریحی به فرمان برداری از روی اراده از حکم و قانونی که از طرف شخص برخوردار از حق تشریح، اعتبار شده باشد. بدیهی است که این اطاعت در حوزه رفتار ارادی موجودی مختار، مانند انسان معنا می‌یابد و پذیرش آن در گرو نفی جبر است. به حکم عقل و تصریح قرآن کریم اطاعت خداوند، پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر همه مردم، واجب است. براساس نگرش توحیدی در ربوبیت تشریحی، حق اطاعت، ویژه ذات اقدس الهی است و اطاعت از فرمان غیرخداوند اگر به فرمان و اذن الهی نباشد، شرک در اطاعت محسوب می‌شود. (شیخ الطوسی، ۱۳۷۲، ۵۹۸/۲)

#### ۴-۳. اطاعت از خداوند حق طبیعی انسان

خداوند متعال از آغاز آفرینش انسان را موجودی مستقل و دارای ویژگی‌هایی ممتاز قرار داده و برای او به خاطر اقتضای طبیعتش حقوقی قائل شده است که در متون دینی مورد تصریح و تأیید قرار گرفته‌اند، و می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### ۴-۳-۱. اهمیت کرامت انسان

اولین حق طبیعی انسان، کرامت و حرمت اوست و خداوند این امتیاز را به همراه آفرینشش به او عطا نمود: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً؛ به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم». (اسراء: ۷۰)

دفاع از حرمت انسان در مقابل ملائک: «و إذ قال ربک للملائکة إنی جاعل فی الأرض خلیفة قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک قال إنی أعلم ما لا تعلمون؛ و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می‌دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند؟ و حال آنکه ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم.

[پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می دانم که شما نمی دانید». (بقره: ۳۰)

خداوند با آیات مذکور نهایت کرامت و حرمت را به انسان عطا نموده است. اعطای مسئولیت نشانه آن است که خدا انسان را تکریم کرده و درحالی که ملائک چنین شایستگی را در انسان نمی دیدند، خدا آنها را نسبت به شایستگی انسان، جاهل شمرد. بنابراین، خداوند بر کرامت و حرمت انسان تصریح می کند و خود به عنوان خالق حکیم، او را حرمت می نهد و محترم می شمارد؛ حرمت و کرامتی که یکی از اساسی ترین حقوق طبیعی بشر است. (سبحانی نیا، ۱۳۸۵)

#### ۴-۳-۲. اهمیت آزادی انسان

قرآن «آزادی» را، به عنوان مهم ترین حق مورد پذیرش قرار می دهد و پذیرش دین و ایمان به ذات مقدس خدا را، که مهم ترین دستورالعمل ادیان الهی و آسمانی به انسان ها بوده، به اجبار و اکراه قرار نداده است. از این رو، نقش پیامبران را فقط در تبیین راه درست از نادرست و پذیرش دین را به دلیل قلبی بودن آن تکوینا غیرقابل اکراه قرارداد و پذیرفتن دین را از روی اراده و با کمال آزادی و اختیار پسندیده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست. مسلما راه هدایت از گمراهی روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست». (بقره: ۲۵۶)

اگر خداوند آزادی را به عنوان حقی که انسان شایسته آن است به رسمیت نمی شناخت، دست کم در مهم ترین امری که سرنوشت بشر و سعادت و شقاوتش در گرو آن است، اختیار انتخاب را به او واگذار نمی کرد و به صورت جبری او را درباره آن امر مهم رام می ساخت. (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ۳۶۱/۱) با توجه به آیات مذکور روشن می شود که انتخاب مسیر زندگی و برگزیدن معبود، از اختیارات هر انسانی است و با توجه به تعداد فراوان آیاتی که آدمی را به اطاعت از خدا فرمان داده و از غیر او برحذر داشته است و یا آیاتی که مؤمنان را به پاداش الهی و نعمات بهشتی بشارت داده

و بدکاران و کافران را به انتقام و عذاب دردناک او وعده داده است، تکلیف بودن اطاعت پروردگار به خوبی آشکار می‌شود. انسان در مسئله اطاعت از خدا به صورت تکوینی صاحب حق، و به صورت تشریحی مکلف به تکالیفی است که خداوند آنها را وضع نموده و اطاعت از آنها را بر انسان‌ها واجب نموده است. بنابراین، میان این دو فرض، هیچ‌گونه تعارضی نیست و هر دو با هم قابل جمع هستند.

#### ۴-۴. نقد قانون اطاعت از نظر جوئل اوستین

با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره موضوع اطاعت در کتاب مقدس، مشخص می‌شود که این کتاب، «اطاعت» را فریضه‌ای الهی و بخشی از تأکیدات شریعت در دین مسیحیت می‌داند. با این حال، هدف جوئل اوستین از طرح این مفهوم در سخنرانی‌هایش، بیشتر برآمده از رویکردی روان‌شناختی و انگیزشی برای تأمین آرامش و آسایش انسان است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، زندگی در جهانی که با انواع بلایای طبیعی، تعارضات، نزاع‌های انسانی، و همچنین توسعه فناوری و سرعت بالای آن همراه است، موجب تولید اضطراب، نگرانی و احساس تنهایی در بشر شده است. از سوی دیگر، هرچند در جوامع صنعتی و پیشرفته بسیاری از فعالیت‌ها توسط ربات‌ها و دستگاه‌ها انجام می‌گیرد و سطح آسایش مادی انسان امروزی نسبت به گذشته افزایش یافته، اما متأسفانه حس پوچی و خلأ وجودی، او را دربرگرفته و حتی در مواردی فلج نموده است. جوئل اوستین با اشراف بر این شرایط، درصدد برآمده تا این مشکلات را از طریق ترویج معنویت و آموزش مهارت‌های کاربردی حل نماید. انسان‌ها به‌طور فطری نیازمند موجودی قدرتمند و فرابشری هستند که با تکیه بر آن به آرامش دست یابند. بر این اساس، خدایی که اوستین بر آن تأکید می‌کند، بیش از هر چیز دارای جنبه‌ای معجزه‌آسا است؛ خدایی که می‌توان با توکل به او به تمام خواسته‌ها رسید و بر مشکلات چیره شد. و در جایی که مشکلی حل‌ناشدنی به نظر می‌رسد، باید اطاعت و تسلیم محض در برابر خواست او پیشه کرد؛ چراکه او بهتر از هر کس از رازهای هستی

آگاه است. در حقیقت، در معنویت‌های مدرن، محور اصلی، میزان آرامش و رضایتی است که فرد به دست می‌آورد، و نه انجام فریضه و تکلیفی شرعی.

#### ۴-۴-۱. تفاوت دو دیدگاه جوئل اوستین و اسلام

«اطاعت» در اسلام فریضه‌ای از جانب خداوند است، ولی در نگاه جوئل اوستین اطاعت به معنای گوش سپردن به ندای درونی برای رسیدن به آرامش است. «اطاعت» در اسلام تکوینا اختیاری و تشریعا واجب است و این به دلیل اکرام و آزادی انسان می‌باشد. در نگاه جوئل اوستین اختیار و اجبار مطرح نیست و در صورت عدم سرپیچی توبیخی در کار نیست؛ زیرا خداوند محضر لطف است و انسان را دوست دارد. «اطاعت» در اسلام شامل مسائل حیاتی و اساسی زندگی انسان مانند اطاعت از خدا، رسول، امام و... می‌شود، اما جوئل اوستین اطاعت را نوعی تسکین روحی و برای رسیدن به مقاصد دنیوی در نظر می‌گیرد. در اسلام بعد از پذیرش خداوند و اطاعت از او انسان مکلف به انجام دستورات الهی می‌شود، ولی از نگاه جوئل اوستین اطاعت به معنای آن است که در صورت پذیرش مسیر کارهای انسان تسهیل می‌شود و اطاعت به معنای اعتماد بر اوست.

#### ۵. نتیجه

انسان‌ها به طور فطری و ذاتی، نیازمند موجودی قدرتمند و فرابشری هستند تا با تکیه بر او به آرامش دست یابند. براین اساس، خدایی که جوئل اوستین بر آن تأکید می‌کند، بیش از هر چیز دارای جنبه‌ای معجزه‌آسا است؛ خدایی که می‌توان با توکل بر او به تمام خواسته‌ها رسید و بر مشکلات چیره شد. تفکر اومانیستی حاکم بر دیدگاه اوستین، انسان را محور قرار می‌دهد و نگاهی ابزاری به خداوند دارد. او معتقد است در مواقعی که مشکلی حل ناشدنی به نظر می‌رسد، باید تسلیم محض اراده الهی شد؛ چراکه خداوند بهتر از هر کس از پیچیدگی‌های امور آگاه است. در مقابل، «اطاعت» در اسلام، فریضه‌ای الهی است که از سویی تکوینا اختیاری و از سوی دیگر تشریعا واجب شمرده می‌شود. این اطاعت، نقش سرنوشت‌سازی در حیات انسان دارد و برای

رسیدن به مقصد متعالی، علاوه بر اطاعت از خدا، پیروی از رسول خدا ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام نیز ضرورت می‌یابد. انسان‌ها با پذیرش اسلام، خود را ملزم به انجام دستورات الهی می‌دانند، اما از منظر جوئل اوستین، اطاعت بدین معناست که در صورت پذیرش مسیر الهی، کارهای انسان تسهیل می‌شود و این اطاعت، در واقع نوعی اعتماد به خداست؛ با سپردن همه چیز به او به آرامش می‌رسیم. نکته حائز اهمیت این است که برنامه پیشنهادی اوستین، طرحی برای سعادت اخروی ندارد و تمام راهکارها و سخنان او معطوف به زندگی دنیوی و موفقیت در همین جهان است. حال آنکه در اسلام، سعادت واقعی انسان، منوط به تلاش خود او با راهنمایی و توفیق الهی برای رسیدن به قرب پروردگار است.

### فهرست منابع

- \* قرآن مجید (بی‌تا). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱. اوستین، جول (۱۳۹۷). زندگی نامه جول اوستین. مشاهده شده در تارنمای نگرش نیک  
<https://negareshenik.ir/bio-joelosteen/>
۲. اوستین، جول (۱۳۹۸). فقط اطاعت کنید. مترجم: باقریور، سید محمد. تهران: ناشر صوتی آذرسا.
۳. ای. وان وورست، رابرت (۱۳۸۴). مسیحیت از لا به لای متون، مترجم: جواد باغبانی، عباس رسول زاده. قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. بونهوفر، دیتیش (۱۳۹۰). بهای شاگردی. تهران: انتشارات ایلام.
۵. حسینی، سیده زهرا، و فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۶). خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی (تمایز و ارتباط مفهوم، تصور و تصویر خدا و نقش روش شناختی مدل‌ها در ادراک خدا). مجله علمی فلسفه دین، ۱۱(۱)، ۲۱-۴۸.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۳۲). المفردات فی غریب القرآن. تهران: انتشارات سیدکلیانی.
۷. سبحانی نیا، محمدتقی (۱۳۹۹). اطاعت خدا حق یا تکلیف. مجله معرفت، ۱۵(۱۰۱)، ۴۹-۷۲.
۸. الشیخ الطوسی، محمدبن حسن (۱۳۹۸). تفسیر التبیان. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی (نرم‌افزار رایانه‌ای جامع التفاسیر).
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: همدانی، سید محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
۱۰. ظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۵). تحلیل حیات طیبیه از دیدگاه قرآن کریم. ماهنامه معرفت، ۲۳(۱۰۹)، ۲۴-۴۵.
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). فلسفه حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. مولایی، میثم، و عبداللہی، محمدعلی (۱۳۹۳). تصور از خدا و نقش آن در معناشناسی اوصاف الهی. پژوهشنامه فلسفه دین، ۱۲(۱)، ۱۰۳-۱۲۶.